

معرفی طرح پژوهشی «نظام عناصر دین»

hashemi31027@gmail.com

r_pouresmaeil@yahoo.com

naeimialiasghar25@gmail.com

MohammadaliTavassoly@gmail.com

سیدعلی هاشمی / استادیار گروه کلام جامعه‌المصطفی العالمیه

رضا پوراسمعیل / دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه باقرالعلوم

علی اصغر نعیمی / سطح چهار حوزه علمیه و استادیار دانشگاه تهران

محمدعلی توسلی / دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

چکیده

دین منظومه‌ای از آموزه‌های نظری و احکام عملی درهم‌تنیده و منسجم است. شناخت جزیره‌ای و غیرمنسجم از دین، گرچه خالی از فایده نیست، اما قطعاً نقایص زیادی دارد. «نظام عناصر دین» عنوان طرحی پژوهشی است که به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که بین تعالیم دین چه رابطه‌ای برقرار است؟ بررسی نظام تعالیم دین با محوریت روابط علی بین عناصر وحیانی، کشف نظام تعالیم دین را آسان‌تر و دقیق‌تر می‌کند. مراد از این عناصر، موضوعات مسائل دین است که در آیات و روایات به آنها تصریح شده است. نظام عناصر دین شامل خرده‌نظام‌های متعددی است. مطابق پژوهش‌های انجام‌شده، نظام اسماء و صفات الهی جامع‌ترین نظامی است که تمام عناصر دین ذیل آن قرار می‌گیرند. نظام‌های خلقت و ربوبیت ذیل نظام اسماء و صفات، نظام‌های خردتر بعدی را تشکیل می‌دهند. نظام‌های هدایت و عبودیت، ذیل نظام ربوبیت، جامع‌ترین نظام‌هایی‌اند که وظایف راهبردی هادیان و مردم را مشخص می‌کنند. این نظام‌ها با بررسی عناصر فرعی ذیل آنها توسعه می‌یابند و به نظام‌های خردتری می‌رسند.

کلیدواژه‌ها: نظام تعالیم دین، طرح کلی دین، منظومه معارف دین، نظام دین.

انسان فطرتاً موجودی کمال طلب و سعادت خواه است. دین راه رسیدن انسان به سعادت حقیقی او، یعنی قرب به خداوند متعال است. انسان در صورتی می تواند به این هدف والا برسد که اولاً تعالیم دین را به درستی بشناسد و ثانیاً آنها را در زندگی خود محقق سازد. درصد بهره مندی هر فرد از سعادت بخشی بی نهایت دین، به مقدار شناخت او از آموزه های دین و عمل به آنها وابسته است.

معارف دین نظام مند است. مشکل این است که شناخت ما از دین، اغلب جزیره ای و غیر منسجم است. شناخت جزیره ای و غیر منسجم از دین، گرچه خالی از فایده نیست، اما قطعاً نقایص زیادی دارد و می تواند موجب عمل ناقص، خطا در فهم و محرومیت معنوی ما از بخشی از فواید دین شود. پژوهش «نظام عناصر دین» تلاش می کند به شیوه ای نو، منظومه معارف دین را از منابع آن به روش توصیفی - تحلیلی استنباط کند. این پژوهش بین رشته ای است و به شکل گروهی توسط تعدادی از اساتید و فضایی حوزوی انجام می شود و بزرگانی بر آن نظارت دارند. در ادامه به بیان ضرورت، پیشینه و شیوه استنباط «نظام عناصر دین» پرداخته شده است. پیش از ورود به این مباحث، لازم است که مفاهیم اصلی این پژوهش به اختصار توضیح داده شود.

۱. مفهوم شناسی

«نظام»، «عناصر» و «دین»، سه واژه کلیدی در عنوان این پژوهش اند: «نظم» مصدر بوده و به معنای ایجاد هماهنگی و ارتباط خاص بین مجموعه ای از امور است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۴۳). واژه «نظام» در لغت و اصلاحات علوم، معانی مختلفی دارد. نظام در این پژوهش دارای ویژگی های زیر است:

۱. نظام دارای اجزاست؛ بنابراین با یک جزء نظام ساخته نمی شود.
 ۲. بین اجزای نظام، رابطه برقرار است؛ بنابراین اگر چیزهایی بدون ترتیب و رابطه در کنار هم قرار گیرند، نظام نامیده نمی شوند.

۳. رابطه یاد شده باید به گونه ای باشد که اجزا و روابط بین آنها - در راستای تحقق هدفی مشخص - یک کل حقیقی یا اعتباری را تشکیل دهند؛ به طوری که هر جزء در جایگاه خود - هماهنگ با بقیه اجزا - نقشی در تحقق هدف کل داشته باشد.

طبق این تعریف، هر نوع رابطه ای نظام ساز نیست. این رابطه باید اولاً در راستای هدف یا اهداف مشخصی توسط فاعل حکیم پدید آمده باشد. در معنای نظام، ایجاد هماهنگی ارادی از سوی فاعل حکیم، نهفته است. قید «در راستای تحقق هدفی مشخص»، به همین نکته اشاره دارد و مجموعه های نامنظم را خارج می کند. ثانیاً نتایج را به دنبال داشته باشد که از کنار هم قرار دادن آثار تک تک اجزا به دست نیاید؛ مثلاً اگر مجموعه ای از گوی ها داخل کیسه ای قرار گیرند، نظامی پدید نمی آورند؛ زیرا جایگاه هر گوی در داخل و خارج از آن کیسه تفاوت

۷ معرفی طرح پژوهشی «نظام عناصر دین»

معناداری ندارد؛ ولی ساعتی که توسط یک ساعت‌ساز ساخته می‌شود، جایگاه هر جزء و رابطه آن با سایر اجزاء، اثری متمایز از آثار تک‌تک چرخ‌دنده‌ها و اجزای آن - به‌طور جداگانه - دارد؛ در نتیجه، ساعت یک مجموعه نظام‌مند شناخته می‌شود؛ اما مجموعه گوی‌های داخل یک کیسه، نظام‌مند به حساب نمی‌آید.

البته تمایز احکام و آثار «کل» یادشده از آثار و احکام مجموع اجزاء به‌طور پراکنده، به‌معنای آن نیست که ضرورتاً تمام نقش‌ها و آثار یک‌یک اجزاء تغییر می‌کند؛ بلکه این تغییر فی‌الجمله است؛ یعنی - به تناسب هر نظام - برخی احکام یا نقش‌ها تغییر می‌کنند یا حتی بدون تغییر آنها، آثار جدیدی برای کل منظومه افزوده می‌شود.

در نظام عناصر دین - که موضوع این پژوهش است - مراد از نظام، منظومه‌ای با مشخصات یادشده است؛ یعنی عناصر دین، توسط خداوند حکیم در راستای تحقق هدفی خاص (هدایت بشر به سوی سعادت) به‌گونه‌ای تنظیم شده که یک کل اعتباری ناظر به واقع را تشکیل می‌دهد؛ به‌طوری‌که هر موضوع در منظومه دین، جایگاه و روابط خاصی با دیگر اجزاء دارد و نقش خاصی را در تأمین اهداف دین ایفا می‌کند. ارتباط هر عنصر با دیگر عناصر، بی‌واسطه یا باواسطه است. شناخت این منظومه و اجزاء و روابط بین آنها، در فهم درست و دقیق آموزه‌های دین بسیار مهم و اثرگذار است.

آموزه‌های دین گزاره‌هایی‌اند که درباره موضوعاتی مانند توحید، نبوت، نماز، روزه، ایمان، حسن خلق و... سخن می‌گویند. این گونه کلمات و اصطلاحات، موضوع محمولات دینی‌اند که ما از آنها با عنوان «عناصر دین» یاد می‌کنیم. این مفردات، نقش مدخل را برای شناخت آموزه‌های تفصیلی دین دارند. شناخت نظام تعالیم دین از طریق کشف نظام روابط بین موضوعات تعالیم دین، فرایند کشف نظام را آسان‌تر و دقیق‌تر می‌سازد.

تمرکز بر این عناصر بدان جهت مهم است که ورود تفصیلی به تعالیم دین، به دلیل گستردگی و ابعاد مختلف آن، کار استنباط نظام را دشوار می‌سازد؛ اما تمرکز بر موضوعات مسائل دین (عناصر دین) این راه را نزدیک‌تر و احتمال دخالت رویکردها و برداشت‌های مختلف را کمتر می‌کند.

مراد از «دین» در این پژوهش، دین اسلام به روایت شیعی است. در این نوشتار داده‌های فطری و عقلی، قرآن کریم، تعالیم پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت آن حضرت منابع دین به‌شمار می‌آیند. نکته دیگر آنکه موضوعات مسائل (عناصر) دین از خود متون اصلی دین، یعنی قرآن و روایات، استخراج می‌شود تا ائمان و اصالت بیشتری داشته باشند. البته در تحلیل روابط بین آنها از دلایل عقلی و نقلی به‌شکل متعاضد استفاده شده است.

۲. نظام‌مند بودن معارف دین

نظام‌مند بودن معارف دین، از مبانی مهم این پژوهش است. دین منظومه‌ای از آموزه‌های نظری و احکام عملی درهم‌تنیده و منسجم است که بخشی از آن در فطرت بشر به ودیعت نهاده شده و بخشی از ناحیه خداوند برای هدایت انسان به سوی سعادتش بر پیامبرانش نازل شده است. هر مجموعه‌ای که برای تحقق یک هدف مشخص

توسط یک فرد حکیم تشکیل شده باشد، ناچار منظم است و بین اجزای آن در راستای تحقق آن هدف، هماهنگی وجود دارد؛ در غیر این صورت، اهداف آن محقق نخواهد شد. دین نیز مجموعه‌ای منظم از تعالیم است. یکی از دلایل این مطلب، نظام‌مند بودن تکوین و هماهنگی تشریح (دین) با تکوین است.

در این آیه کریمه به نظام‌مند بودن تکوین اشاره شده است: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ» (ملک: ۳) [همان] کسی که هفت آسمان را طبقه‌بندی شده آفرید. هیچ تفاوتی [تناقض‌گونه] در آفرینش [خدای] رحمان نمی‌بینی؛ پس چشم را برگردان؛ آیا هیچ شکافی می‌بینی؟، این آیه کریمه بیان می‌کند که در خلقت خداوند رحمان، هیچ «تفاوت» و «فطوری» دیده نمی‌شود.

«تفاوت» مصدر باب تفاعل از ریشه «فوت» است. «فوت» به معنای از دست رفتن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۵۷) که به تناسب آن، به «جدایی بین دو چیز»، از جمله فاصله بین دو انگشت و جدایی بین روح و بدن (مرگ)، «فوت» گفته می‌شود (همان). با توجه به این ریشه، کلمه «تفاوت» را به «اختلاف»، «اضطراب» و «دوری» بین دو چیز معنا کرده‌اند (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۴، ص ۲۳۵)؛ زیرا در فرض تفاوت بین دو چیز، یکی موجب فوت (از دست رفتن) دیگری می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۶). در نتیجه، مراد آیه «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ» این است که بین مخلوقات خداوند، گسست، تضاد و ناهماهنگی وجود ندارد (همان). لازمه این معنا آن است که آنها در یک نظام به هم مرتبط و هماهنگ‌اند؛ مثل حلقات زنجیر همه در پی هم‌اند و از همدیگر دور و جدا نیستند؛ آفتاب می‌تابد؛ آب دریاها تبخیر می‌شوند؛ ابرها پدید می‌آیند؛ جریان جو آنها را به خشکی‌ها می‌راند؛ باران‌ها می‌بارند؛ دانه‌ها می‌رویند؛ نعمت‌ها به دست مردم می‌رسند؛ باکتری‌ها فضولات را تجزیه و به مواد کانی و اصلی تبدیل می‌کنند؛ عده‌ای از بین می‌روند و دیگران جای آنها را می‌گیرند. این ارتباط هماهنگ، در تمام موجودات، اعم از کوچک و بزرگ، جاری است (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۰۶).

در ادامه آیه، با بیان دیگری بر این هماهنگی و جدایی‌ناپذیری بین اجزای هستی تأکید شده است: «فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ». فطور جمع «الفطر» به معنای شکاف است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۳، ص ۲۲۵). این تعبیر با صراحت بیشتری هرگونه گسست و شکاف بین اجزای هستی را نفی می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۰) و نتیجه آن این است که همه اجزای عالم - نه برخی از آنها - با هم پیوند دارند و یک مجموعه به هم مرتبط را تشکیل می‌دهند. بنابراین این آیه کریمه نه تنها هرگونه جدایی (فوت) و شکاف (فطر) بین اجزای هستی را نفی می‌کند، بلکه بر منظوم بودن آن دلالت دارد؛ زیرا نفی گسست و شکاف به معنای پیوند و اتصال است.

مقدمه دوم استدلال یادشده، هماهنگی تشریح (دین) با تکوین بود. خداوند متعال در سوره مبارکه «روم» به هماهنگی بین دین و تکوین اشاره فرموده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ، ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)؛ پس روی [وجود] خود را حق‌گرایانه به

۹. معرفی طرح پژوهشی «نظام عناصر دین»

دین راست دار، [و پیروی کن از] سرشت الهی که [خدا] مردم را [بر] اساس] آن آفریده است، که هیچ تغییری در آفرینش الهی نیست. این دین استوار است؛ لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند.

«فطر» به معنای خلقت و آفرینش است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۱۸). «فطرت» بر وزن «فِعْلَة»، مصدر نوعی است که هیئت و چگونگی آفرینش را نشان می‌دهد (شرتونی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۶۳)؛ بنابراین به نوع خاص خلقت انسان اشاره دارد. این کلمه در جمله «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي...» مفعول برای فعل محذوف «إِتبع» یا «أَلزم» است (نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۱۸۵)؛ یعنی به نوع آفرینش خود ملتزم باشید. این جمله استینافیه بوده و توضیحی درباره «دین» است که در جمله قبل آمده و دلالت بر آن دارد که دین مطابق فطرت (نوع آفرینش) انسان است. در ادامه آیه نیز بر هماهنگی بین تشریح و تکوین تأکید شده است: «... ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»؛ یعنی آن دینی که با سرشت تکوینی انسان هماهنگ است، دین استوار است. قوانینی که منطبق با نیازهای فطری بشر نباشد، پایداری ندارد و انحراف از واقع (تکوین)، آن را به نابودی می‌کشاند. خلاصه آنکه این آیه کریمه به صراحت بر هماهنگی بین دین و تکوین انسان دلالت دارد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۲۴۷-۲۴۹؛ ج ۸، ص ۲۹۹). با اثبات هماهنگی دین با تکوین انسان، هماهنگی آن با سایر اجزای تکوین نیز ثابت می‌شود؛ زیرا در غیر این صورت - به دلیل عدم هماهنگی انسان و تصرفات او با بقیه اجزای تکوین - تکوین نیز گرفتار خلل می‌شود؛ درحالی‌که پیش از این ثابت شد که هیچ خللی در تکوین راه ندارد.

در سخنان عالمان و بزرگان دین نیز این مطلب به صراحت و با تأکید بیان شده است. برای نمونه، علامه طباطبائی نظم تعالیم دین را به نظم بین اجزای بدن یک انسان تشبیه کرده است:

جز این نیست که اسلام دینی است متعرض جمیع شؤون زندگی انسانی؛ و شارح و مبین احکام آن، دینی است که هریک از احکام آن نسبت به مابقی متناسب و متلازم است؛ به این معنا که یک پیوستگی و وحدت خاصی در سراسر احکام آن حکمفرماست و طوری به هم مربوطاند که اگر فتوری در یکی از آنها دست دهد و یا یکی از آنها از بین برود، اثرش در سراسر دین بروز می‌کند؛ عیناً مانند بدن یک انسان که اگر یکی از اجزایش مریض شود، در مابقی هم اثر می‌گذارد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۲۱۱).

۳. ضرورت استنباط نظام عناصر دین

بر اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم انسانی، ضرورت و فواید طرح‌های کلی و نظام‌های کلان که جایگاه نظری هر موضوع را مشخص می‌کنند، روشن است. در گذشته در حوزه معارف دینی، به دلیل گسترده نبودن قلمرو این علوم، این ضرورت چندان احساس نمی‌شد؛ اما امروزه به دلیل وسعت بسیار علوم دینی و شاخه‌های تخصصی آنها، کاملاً مشهود است. حضور متدینان در حاکمیت جامعه و ضرورت مدیریت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه براساس تعالیم دینی، لزوم تبیین اولویت‌ها و تقدم و تأخرها را بیش از پیش نشان می‌دهد و هجمه و هموردطلبی اندیشه‌ها و

مکاتب رقیب الحادی و غیرالحادی در برابر تعالیم دین مقدس اسلام، ضرورت ارائه نظام‌مند علوم و آموزه‌های دینی را بیشتر می‌کند. بنابراین، فهم، عمل و تبلیغ دقیق‌تر تعالیم دین، به شناخت نظام‌مند آنها وابسته است. فایده مهم دیگر شناخت نظام عناصر دین، شناخت راهبردی تعالیم آن است. توضیح آنکه با شناخت جایگاه هریک از عناصر دین و رابطه آن با عناصر دیگر، راهبردها و سیاست‌های کلان حوزه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و... روشن می‌شود. برای نمونه، در مباحث مربوط به تبلیغ دین، شما به این نتیجه می‌رسید که «هدایت» عنوان جامعی است که تمام زمینه‌های فطری و فعالیت‌های پیامبران و جانشینان آنان را دربر می‌گیرد. مباحث مهم «نفس»، «روح»، «بدن»، «قلب»، «عقل»، «هوا»، «حس» و... مباحث هدایت فطری را جهت‌دهی می‌کنند و عناوینی مانند «بیان»، «تبیین»، «ابلاغ»، «دعوت»، «اتمام حجت»، «تعلیم کتاب و سنت»، «تزکیه» و «احیا» وظایف مهم پیامبران و جانشینان آنان را مشخص می‌نمایند. ذیل این عناوین، عناصر فرعی بسیاری جای دارند که توجه به جایگاه هریک از این عناصر و کشف نظام روابط بین عناصر اصلی و فرعی، فرایند هدایت و گام‌های سیاست‌گذاری‌های فرهنگی را مشخص می‌کند. بنابراین، شناخت معارف دین از طریق شناخت نظام این عناصر، نگاهی راهبردی به مخاطب می‌دهد که در زمانه ما بسیار مهم و اثرگذار است.

۴. پیشینه پژوهش

چنان‌که گفتیم، در گذشته ضرورت ارائه نظام تعالیم دین، مانند امروز احساس نمی‌شد؛ اما ارائه دسته‌بندی‌هایی از معارف دینی برای تسهیل فهم و تمرکز بر مباحث خاص، از همان قرن‌های اولیه مورد توجه بوده است. دسته‌بندی آموزه‌های دین به «عقاید»، «اخلاق» و «احکام» یا دسته‌بندی‌هایی که محدثان و متکلمان در کتاب‌های خود ارائه داده‌اند، نمونه‌هایی از این سنخ کارها هستند که نظام به‌معنای موردنظر نیستند. در قرن اخیر به‌دلیل توسعه مباحث دینی، ضرورت ارائه نظامی از تعالیم دین بیشتر احساس شده است؛ به همین دلیل شاهد تلاش‌هایی در این موضوع بوده‌ایم. شخصیت‌هایی مانند سید قطب (ر.ک: سید قطب، ۱۳۴۵)، ابو‌الاعلی مودودی (ر.ک: مودودی، ۱۳۸۷ق)، علی شریعتی (ر.ک: شریعتی، بی تا، ج ۱)؛ شهید سیدمحمدباقر صدر (ر.ک: صدر، ۱۴۰۸ق)، علامه طباطبائی (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۸۸)، حجت‌الاسلام صفائی حائری (ر.ک: صفائی حائری، ۱۳۹۴؛ پورسیدآقایی، ۱۳۸۹)، آیت‌الله مصباح یزدی (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۱، مقدمه)، آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۶)، آیت‌الله میرباقری (ر.ک: میرباقری، ۱۳۹۹)، حجت‌الاسلام هادوی تهرانی (ر.ک: هادوی تهرانی، ۱۳۷۷) و حجت‌الاسلام واسطی (ر.ک: واسطی، ۱۳۸۳) طرح‌هایی درباره نظام معارف دین ارائه داده‌اند. در چند دهه اخیر بحث درباره نظام‌های مضاف، مانند «نظام اقتصادی اسلام»، «نظام سیاسی اسلام»، «نظام تربیتی اسلام»، «نظام حقوقی اسلام»، «نظام قضایی»، «نظام خانواده» و «فقه نظام» نیز بیشتر مورد توجه بوده است. ویژگی مشترک این پژوهش‌ها این است که با پذیرش نظام‌مند بودن آموزه‌های دین، به دنبال کشف نظام آموزه‌های دین در موضوعات یادشده هستند.

۵. تمایزهای طرح نظام عناصر دین

پژوهش «نظام عناصر دین»، به دنبال کشف نظام جامع تعالیم دین براساس نظام مقام ثبوت، با محوریت عناصر دین (موضوعات مسائل دین) است و با پژوهش‌های یادشده تفاوت‌ها و اشتراکاتی دارد. مهم‌ترین تمایزهای این طرح را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱-۵. توجه به نظام ثبوتی دین

یکی از تفاوت‌های پژوهش‌های موردنظر با کشف نظام تعالیم دین این است که بسیاری از این پژوهش‌ها به کشف نظام اقامه دین (مقام اثبات) می‌پردازند؛ درحالی که کشف چنین نظامی مترتب بر کشف نظام تعالیم دین در مقام ثبوت است. این پژوهش با توجه به این ضرورت - هم‌راستا با برخی از پژوهش‌های یادشده - به کشف نظام تعالیم دین براساس مقام ثبوت و بدون در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار بر اجرای آنها می‌پردازد. این تفاوت چنان ظریف است که گاه از آن غفلت شده است.

نظام به‌دست‌آمده از استنباط جایگاه هر عنصر و روابط سببی اولیه آن با دیگر عناصر را - بدون لحاظ مقام تحقق و اجرا - نظام ثبوتی دین می‌نامیم؛ زیرا این روابط در عالم ثبوت میان عناصر دین برقرار است. مرادمان از رابطه سببی، شامل هرگونه ترتب حقیقی، مثل ترتب وجود معلول بر وجود علت، و ترتب اعتباری (شرعی)، مثل ترتب نماز بر طهارت است. به عبارت دیگر، بین عناصر دین در مقام ثبوت - صرف‌نظر از مقام اقامه - روابط حقیقی برقرار است. این روابط، تکوینی‌اند، نه اعتباری محض. بسیاری از عناصر بیان‌شده در متن آیات و روایات، همچون الله، رسول، ملک، انس، جن، ایمان، علم، شجاعت، ترس و... همگی حقیقی تکوینی‌اند نه اعتباری؛ ازاین‌رو بین این عناصر در مقام ثبوت، روابطی حقیقی و تکوینی برقرار است؛ حتی عناصر اعتباری دین، مثل وجوب، حرمت، طهارت، زوجیت و... نیز همگی مبتنی بر حقایق تکوینی - نه اعتبارات خالی از مصالح و مفاسد حقیقی - هستند و در نتیجه بین آنها نیز روابط ثبوتی برقرار است. صرف‌نظر از اینکه در مقام اقامه باشیم یا نباشیم، کشف این نظام ممکن و جایز، بلکه برای فهم دقیق‌تر نظام معارف دین در مقام اثبات، ضروری است.

نظام اقامه یا اثبات دین، از تنظیم دوباره جایگاه و روابط اولیه بین عناصر دین (نظام ثبوت) براساس عوامل ثابت و متغیر تأثیرگذار در مقام اجرا به‌دست می‌آید.

دو نظام ثبوت و اثبات (پایه و اقامه)، اشتراکات و تمایزهایی دارند. بخشی از مباحث این دو نظام با هم مشترک است؛ اما گاهی لحاظ مقام اجرا، در نظم ثبوتی تأثیرگذار است و نظامی متناسب با شرایط زمان، مکان و مخاطب را ایجاد می‌کند؛ مثلاً در نظام ثبوت، از خداوند شروع می‌کنیم و به مخلوقات او می‌رسیم؛ زیرا وجود خداوند تقدم علی بر مخلوقاتش دارد؛ اما در مقام آموزش معارف دینی - که بخشی از نظام اقامه است - گاهی لازم است برعکس عمل کنیم؛ یعنی از نشانه‌های خداوند (آیات) که مخلوقات او هستند، شروع کنیم و به خداوند برسیم (ر.ک: بقره:

۱۶۴؛ ر.ک: آل عمران: ۱۹۰؛ انعام: ۹۹؛ یونس: ۶؛ رعد: ۳-۴؛ روم: ۲۱-۲۴ و...) چنان که مشاهده می‌شود، ابتدا و انتهای سیر در این دو مقام متفاوت است و دلیل آن، تفاوت لحاظ‌های دو مقام است که یکی براساس روابط علی و دیگری براساس اقتضات اجرایی تنظیم شده است.

روشن است که چنین تغییری در جایگاه و روابط عناصر، به معنای وجود تعارض بین دو نظام یادشده نیست؛ زیرا تعارض در صورتی پیش می‌آید که موضوعات با یک لحاظ، دو جایگاه مخالف هم داشته باشند؛ اما اگر حیثیت‌ها متفاوت باشند، تعارضی در کار نیست (ر.ک: مظفر، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹-۱۹۴). مقام اثبات به دنبال پیاده کردن همان نظام ثبوتی است و نمی‌خواهد جایگاه‌های عناصر را تغییر دهد؛ بلکه با لحاظ شرایط و قیود مقام اقامه، قواعد و راهکارهایی را ارائه می‌کند.

بسیاری از پژوهش‌های دیگر، طرحی ناظر به مقام اقامه دین ارائه کرده‌اند. مثلاً شهید صدر با صراحت طرح خود را مذهب اقتصادی ناظر به کشف قواعد ناظر به حل مشکلات اقتصادی جامعه معرفی کرده است. حجت‌الاسلام واسطی نیز به صراحت دغدغه ارائه راهکارهایی برای اقامه دین را هدف از پژوهش‌های خود معرفی کرده‌اند. چشم‌اندازها و سندهای علمی نیز برای تحول در محدوده خاص زمانی (مانند سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی) یا مکانی (مثل سند چشم‌انداز یادشده و سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقشه مهندسی فرهنگی کشور و نقشه جامع علمی کشور) تدوین شده‌اند یا برنامه‌ای برای مخاطبان خاص هستند؛ مانند سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه که همه به مقام اقامه دین مربوط‌اند.

پژوهش‌های انجام‌شده در نظام‌های خرد، مثل نظام تربیت اسلامی، نظام اقتصاد اسلامی، نظام مدیریت اسلامی و تحقیقات انجام‌شده با عنوان «فقه نظام»، می‌توانند ناظر به مقام کشف نظام پایه یا مقام اقامه دین باشند و گاهی تلفیقی از هر دو، مقصود پژوهشگران این موضوعات است.

پس این پژوهش برخلاف برخی پژوهش‌های یادشده به بررسی مقام اقامه دین (اعم از استنباط قواعد ثابت و کلی آن یا بیان راهکارهای اجرایی) نمی‌پردازد؛ بلکه قصد دارد در گام اول، نظام ثبوتی عناصر دین را استنباط کند تا زمینه کشف نظام اقامه دین فراهم شود.

۵-۲. توجه به نظام عناوین و حیاتی دین

یکی دیگر از تمایزهای اساسی این پژوهش با اکثر پژوهش‌های یادشده، توجه به کشف نظام موضوعات تعالیم دین در برابر نظام جملات و گزاره‌های دینی است. در مفهوم‌شناسی بیان کردیم که گزاره‌ها بیانگر تعالیمی درباره موضوعاتی هستند که از آنها در این پژوهش به عناصر دین یاد می‌شود؛ بنابراین عناصر دین، موضوعات مسائل دین هستند. شناخت ماهیت و جایگاه هر موضوع و رابطه آن با دیگر موضوعات، کشف نظام تعالیم دین را آسان‌تر و دقیق‌تر می‌سازد. آسان‌تر به دلیل آنکه در مواجهه با انبوه گزاره‌های دینی می‌دانیم که فقط باید به تعالیمی توجه

کنیم که ماهیت آن موضوع و رابطه آن با دیگر موضوعات را بیان می‌کند؛ و از ورود به تعالیم غیرمرتبط با کشف نظام خودداری می‌کنیم؛ مثلاً دهها حکم و آموزه درباره موضوعاتی مانند نماز، زکات، تقوا، هدایت و... وجود دارد. پرداختن به تمام تعالیم موجود درباره هر یک از این موضوعات، کاری دشوار است که با کشف نظام بین آنها ارتباط تأثیرگذاری ندارد. مطابق این پژوهش، پس از شناسایی این موضوعات، فقط به تعالیمی درباره آنها توجه می‌کنیم که ماهیت و جایگاه خود آن موضوع و رابطه‌اش با دیگر موضوعات را مشخص می‌کند. این روش باعث می‌شود که به شکل آسان‌تری به نظام تعالیم دین برسیم.

دقیق‌تر بودن این روش نسبت به روش‌های دیگر کشف نظام معارف دین، بدان جهت است که موضوعات تعالیم دین را همان عناوین و اصطلاحات خاص آیات و روایات می‌داند. تمرکز بر این عناوین و اصطلاحات و پرهیز از عنوان‌سازی در کشف نظام معارف دین، ذهن ما را از دقت‌های وحیانی موجود در این عناوین بهره‌مند می‌سازد و از جهت‌گیری‌ها و غفلت‌های بشری آن می‌کاهد؛ مثلاً در برخی طرح‌های یادشده، برای معرفی ارکان یک نظام، از عناوینی مانند «مبانی»، «اهداف»، «روش»، «اصول» و «آموزه‌ها» استفاده شده است یا معارف دین در قالب‌هایی مانند «خداشناسی»، «جهان‌شناسی»، «انسان‌شناسی» و... سامان‌دهی شده‌اند. این قالب‌ها - هرچند مفید و مورد تأیید عقل یا روش‌های عقلایی‌اند - اما باعث می‌شوند که ذهن مخاطب با زاویه دید خاصی به سراغ معارف دین برود و جامعیت و دقت‌های عناوین وحیانی را از دست بدهد. نظامی که از کشف مبانی، اهداف، اصول و آموزه‌ها به دست می‌آید، مبتنی بر همین دسته‌بندی‌هاست که معقول می‌باشد؛ اما متمایز از نظامی است که در متن آیات و روایات مشاهده می‌شود؛ چنان‌که توجه به آیات از منظر خدانشناسی و... ذهن انسان را بر این عناوین متمرکز می‌کند و ابعاد دیگر تعالیم دین را از محل توجه پژوهشگر خارج می‌سازد. بنابراین، کشف این دسته از نظام‌ها با عناوین انتزاعی عقلی، هرچند مفید است، اما لوازم خاص خود را دارد و به نگاه انسان جهت خاصی می‌دهد؛ درحالی‌که - مطابق این طرح - می‌توان با تمرکز بر عناوین وحیانی موضوعات مسائل دین و کشف نظام سببی بین آنها، نظامی را کشف کرد که جامع لحاظ‌های مختلف بوده و انتساب آن به دین، موجه‌تر است.

بیشتر پژوهش‌های یادشده به دنبال کشف نظام عناوین وحیانی موجود در ادبیات دین نبوده‌اند. این طرح‌ها با توجه به تخصص و برداشت‌های صاحبان آنها، در قالب‌های عقلی یا عقلایی از معارف دین انتزاع شده‌اند. طرح‌های دکتر شریعتی، شهید صدر، آیت‌الله مصباح یزدی، حجت‌الاسلام هادوی تهرانی و حجت‌الاسلام واسطی، نظام سلوک عرفانی، نظام‌های خرد و چشم‌اندازها و سندهای علمی یادشده، نمونه‌هایی از این نوع طرح‌ها هستند؛ البته برخی طرح‌ها مانند طرح سید قطب در مباحث سیاسی که بر عناصر جاهلیت، جهاد، حاکمیت و عبادت تأکید دارد و طرح‌های ابوالاعلی مودودی نیز که بر مفاهیم قرآنی «اله»، «رب»، «دین»، «اسلام»، «ایمان»، «نبوت» و «عبادت» تکیه داشت و همچنین طرح حجت‌الاسلام صفایی حائری، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و آیت‌الله

میرباقری که بر مفردات قرآنی تأکید داشته‌اند، با این پژوهش هم‌راستا هستند؛ هرچند در روش و میزان استفاده از عناوین بیان شده در قرآن و سنت تفاوت‌هایی با هم دارند.

۵-۳. توجه به نظام جامع عناصر دین

یکی دیگر از ویژگی‌های این پژوهش، بررسی نظام کلان دین است؛ یعنی به بررسی خرده‌نظام خاصی محدود نشده است. توضیح آنکه قلمرو برخی طرح‌های یادشده، ارائه نظام تمام تعالیم دین، و قلمرو برخی دیگر، موضوعات محدودتری مثل اقتصاد، سیاست و جامعه یا رویکردهای خاصی مثل رویکرد فقهی (ناظر به عمل مکلفان) است.

بررسی خرده‌نظام‌ها - برخلاف طرح‌های کلان - با ورود به جزئیات و با دقت‌های خاصی همراه است؛ اما اشکال آنها غفلت از رابطه آن خرده‌نظام‌ها با سایر بخش‌های نظام کلان دین است؛ زیرا این نظام‌های خرد، در سطح کلان با هم مرتبط و بخشی از نظام کلان دین هستند. توجه به بخشی از آن نظام کلان بدون آگاهی از روابط آن بخش با بقیه منظومه دین، همان مشکل جزءنگری را دارد که در بحث از ضرورت نگاه منظومه‌ای به تعالیم دین به آن اشاره شد. بنابراین، استنباط نظام کلان دین بر کشف نظام‌های خرد تقدم رتبی دارد.

شماری از طرح‌های یادشده، به ارائه نظام‌های خرد پرداخته‌اند؛ مانند شهید صدر که تلاش کرده است طرحی از مذهب اقتصادی اسلام ارائه کند. نظام سلوک عرفانی نیز نظامی خرد به‌شمار می‌آید؛ زیرا به طراحی گام‌های سلوک معنوی انسان اختصاص دارد و دیگر ابعاد تعالیم دین را شامل نمی‌شود. چشم‌اندازها و سندهای علمی نیز در مقام ارائه نظام عناصر دین به‌طور کلی نبوده‌اند؛ بلکه برای محدوده جغرافیایی خاص جمهوری اسلامی ایران یا بخش‌هایی خاص مثل حوزه علمیه ارائه شده‌اند. نظام‌های خرد دیگر، مانند «نظام سیاست»، «نظام مدیریت»، «نظام اقتصاد» و... نیز از این بعد با پژوهش حاضر متمایزند.

روشن است که پرداختن به همه عناصر دین که شامل صدها عنصر است، کاری بسیار دشوار و طولانی است؛ اما می‌دانیم که برخی از عناصر یادشده، اصلی و برخی فرعی‌اند. به همین دلیل، کشف نظام عناصر دین با سیر از اصول به فروع، کار را قدری آسان می‌سازد. بنابراین در این پژوهش با سیر از عناصر اصلی به فرعی - گام‌به‌گام - پیش می‌رویم. هرچه به شاخه‌های فرعی‌تر این درختواره برسیم، عناصر و روابط بیشتری کشف می‌شود و استفاده علمی ما از منظومه دین بیشتر خواهد شد. در چنین منظومه‌ای می‌توان جایگاه موضوعات دین و روابط بین آنها را مشاهده کرد و هر کس به تناسب نیاز خود می‌تواند از آن در مباحث سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و... استفاده کند.

۶. روش‌شناسی

روش هر علمی، چگونگی از مبدأ به مقصد رسیدن یا حرکت از معلومات به سوی کشف مجهولات را نشان می‌دهد. با بررسی مبانی، منابع و اهداف هر علم، روش آن روشن می‌شود.

لازم است بدانیم، نظامی از معارف دین مطلوب است که کارآمد، جامع، رسا و حجیت‌دار باشد. کارآمد بودن بدین معناست که نتیجه پژوهش به حل یک مشکل موجود منتهی شده و ثمره مهمی بر آن مترتب باشد. در بحث ضرورت پژوهش، درباره این موضوع سخن گفتیم. به نظر می‌رسد، نظام‌واره‌ای که نتیجه پژوهش پیش‌روست، چنین ثمره‌ای را دارد. آگاهی از نظام تعالیم دین براساس عناوین موضوعات مسائل دین، جایگاه هر موضوع و ترتب‌ها را به‌خوبی نشان می‌دهد و مقدمه اقامه بهتر و دقیق‌تر دین است. ویژگی مطلوب دیگر، جامعیت نظامی است که برای معارف دین عرضه می‌شود. مراد از جامعیت، جامعیت نسبی است؛ بدین معنا که تلاش شود حداکثر ممکن از تعالیم دین را پوشش بدهد. طرح‌هایی که به ارائه چند عنصر یا معرفی برخی ابعاد دین می‌پردازند، از این جامعیت برخوردار نیستند؛ زیرا با وجود مفید بودن نسبی، نظامی از کل - قابل استنباط - دین ارائه نمی‌کنند؛ مثل طرح سید قطب که بیشتر به مباحث سیاسی دین توجه کرده بود؛ طرح شهید صدر که در حوزه مباحث اقتصادی مطرح شده بود و طرح دکتر شریعتی که بر مباحث اجتماعی تأکید داشت.

روشن و بدون ابهام بودن، ویژگی دیگری است که در چنین طرح‌هایی مطلوب است. طرحی که ارائه می‌شود، نباید چندان کلی باشد که نتوان بسیاری از مباحث مهم را براساس آن تبیین کرد. ممکن است طرحی جامع نباشد، اما در همان محدوده خود رسا باشد و ممکن است طرحی ناظر به کل تعالیم دین ارائه شود؛ اما چندان کلی و اجمالی باشد که توان توجه بسیاری از جزئیات را نداشته باشد.

ویژگی مهم دیگری که در این سنخ از مباحث توجه ویژه می‌طلبد، حجت داشتن و استناد به دین است؛ یعنی بتوان آن نظام را به‌طور حجیت‌داری به منابع دین نسبت داد؛ زیرا بیان کردیم که به‌دنبال ساختن نظام معارف دین نیستیم؛ بلکه به‌دنبال کشف نظام موجودیم. مهم است که بدانیم هر نظام از دو بخش اصلی تشکیل شده است: عناوین و رابطه بین آن عناوین. برای استناد یک نظام به دین باید این دو محور اساسی، یعنی عناوین و نظم بین آنها، به روش حجیت‌داری به منابع دین مستند شود. دقت شود که فرق است بین استناد تعالیم ذیل یک نظام و استناد خود آن نظام به دین. گاهی محتوای یک منظومه، دینی است؛ یعنی تعالیم دینی ذیل یک نظام گردآوری شده‌اند؛ اما خود آن نظام را نمی‌توان به دین نسبت داد.

بیان شد که این پژوهش می‌کوشد، نظام تعالیم دین را کشف کند. برای رسیدن به این هدف، ابتدا تأکید می‌کنیم که روش تحقیق ما توصیفی - تحلیلی است. این بدان معناست که با مراجعه به منابع دین به‌دنبال کشف این نظام هستیم؛ نه اینکه نظامی برای معارف دین تولید کنیم. البته چنین نظامی به‌طور صریح در متن آیات و روایات بیان نشده است؛ بنابراین باید استنباط شود. این استنباط بر قواعد عقلایی فهم متون مبتنی است که در علوم مختلفی از جمله منطق، اصول فقه، قواعد و روش‌های تفسیر و فقه‌الحدیث بیان شده است.

اشاره شد که پژوهش‌های مختلفی درباره کشف نظام معارف دینی انجام شده است. اشکال مهم وارد شده بر بسیاری از آنها این است که هرچند محتوای بسیاری از آنها به دین مستند بوده، اما استناد خود این نظام‌ها (ساختار

نظام) به دین قابل مناقشه است. یکی از مشکلاتی که استناد این گونه نظام‌ها را ضعیف می‌سازد، استفاده از عناوین غیروحیانی برای معرفی اجزای آن نظام‌هاست. تأکید بر عناوین موجود در آیات و روایات، برای پرهیز از تأثیرگذاری ضعف‌ها و محدودیت‌های ذهن بشری در مفهوم‌سازی است که می‌تواند بر شکل نظام عناصر دین تأثیرگذار باشد. برای روشن‌تر شدن اهمیت این مطلب، توجه به برخی مشکلات علوم دینی موجود مناسب است.

شاید برای شما اتفاق افتاده باشد که هنگام مطالعه و تدبر در قرآن و روایات، خود را در فضایی کاملاً متفاوت از ادبیات و علوم رایج حوزوی بیابید. در یک بررسی میدانی مشاهده شد، برخی فضایی حوزوی که مقاطع بالای برخی رشته‌های علوم دینی را به پایان رسانده بودند، تفاوت بین ربوبیت و ولایت خداوند یا رابطه بین حمد و تسبیح خداوند را نمی‌دانستند؛ با اینکه این واژه‌ها از پرکارترین و مشهورترین کلمات قرآنی و روایی و مرتبط با رشته تحصیلی آنان بود. کافی است خودمان به‌طور اتفاقی یک صفحه از قرآن را باز کنیم و در اصطلاحات و معانی آن تدبر نماییم یا با یکی از فضایی حوزه درباره عناوین مهم آن صفحه گفت‌وگو کنیم. اگر فرد دقیقی باشیم، از نتیجه آن بسیار حیرت خواهیم کرد؛ زیرا خواهیم دید که پس از سال‌ها مطالعه و تحقیق، با زبان قرآن و روایات بیگانه‌ایم و از بسیاری از دقت‌ها و تعالیم عمیق آن محرومیم؛ مثلاً هنوز برای برخی از ما روشن نیست که آیا جایگاه تقوا قلب است یا آنکه این عنوان به امری بیرونی اشاره می‌کند؟ فقط بعد سلبی دارد (دوری از گناه) یا انجام کارهای خیر را هم شامل می‌شود؟ اثر ایمان، عنصری ملازم با آن است یا از علل ایمان است؟ آیا تزکیه مقدمه عمل صالح است یا عمل صالح مقدمه تزکیه است؟ چه رابطه‌ای بین تقوا، تزکیه، ایمان و یقین برقرار است؟ این‌گونه عناوین، از مهم‌ترین کلیدواژه‌های دین‌اند که هر فرد متدین بارها آنها را شنیده است؛ اما دوری از زبان دین و محور نبودن این ادبیات در علوم دینی رایج، باعث شده که تعالیم دقیق بیان‌شده در قرآن و سنت درباره آنها برای بسیاری از ما پنهان بماند.

بنابراین تلاش می‌کنیم با پرهیز از عناوین غیرموجود در آیات و روایات، بر استناد عناوین نظام مورد پژوهش به دین تأکید کنیم و البته در کشف روابط بین آن عناصر نیز می‌کوشیم با تکیه بر قواعد استنباط، استناد به منابع دین با دقت انجام شود.

نکته دیگر روشی، به کشف روابط بین عناصر دین مربوط است. در این پژوهش، کشف این روابط به روش اجتهادی و از طریق بررسی دلالت آیات، روایات و تحلیل‌های عقلی صورت می‌گیرد. در آیات و روایات به‌طور صریح یا غیرصریح به روابط بین عناصر دین اشاره شده است؛ مثلاً رابطه حمد با ربوبیت جهان، رابطه خلقت با عبودیت، رابطه بین تقوا و شناخت حق، رابطه بین گناهان و مصیبت‌ها، رابطه صبر و نماز با خشوع، رابطه ولایت، ایمان و کفر با هدایت و ضلالت، رابطه بین ایمان و هدایت، رابطه بین انفاق و برکت، رابطه بین تزکیه نفس و فلاح، رابطه بین تقوا و گشایش، رابطه بین شکستن پیمان و قساوت قلب، رابطه بین ولایت شیطان و گمراهی، و رابطه بین استکبار و کفر، اندکی از بی‌شمار مواردی هستند که با مطالعه‌ای عادی از ظواهر آیات به دست می‌آیند. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز مصادیق متعددی از این روابط بیان شده‌اند که احادیث دسته‌بندی‌شده در کتاب‌هایی

معرفی طرح پژوهشی «نظام عناصر دین» ♦ ۱۷

مانند *غرر الحکم و درر الکلم* یا *میزان الحکمه* به وضوح بر آن دلالت دارند؛ مانند رابطه بین علم و عقل، رابطه بین جهاد و سعادت، رابطه بین ایمان و تسلیم، رابطه بین هدایت و ایمان، رابطه بین محبت اهل بیت علیهم السلام و پیروی آنان، رابطه بین رستگاری و غلبه بر هوای نفس، رابطه بین ایمان و ترس از نافرمانی خداوند، رابطه بین دعا و دفع بلا، رابطه بین یقین و توکل، رابطه بین توفیق و رحمت خداوند متعال، و

البته چنان که گفته شد، در تحلیل این روابط، از داده‌های عقلی در کنار دلالت‌های نقلی - به‌طور متعاضد - استفاده می‌شود.

با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت:

- عناصر دین، موضوعات تعالیم آن هستند؛ تعالیم دین ذیل این موضوعات جای می‌گیرند؛ بنابراین می‌توان برای شناخت و معرفی اجمالی نظام تعالیم دین، به استنباط نظام عناصر دین پرداخت.

- این پژوهش به دنبال کشف نظام موجود بین عناصر دین است، نه تولید یک نظام انتزاعی.

- در این پژوهش، عناصر دین از متون دین استخراج شده، روابط بین آنها با استفاده از دلایل عقلی و نقلی استنباط می‌شود.

- با توجه به محوریت عناصر موجود در متون دین، روش این پژوهش همان روش عقلایی فهم متون دینی، یعنی تکیه بر اصول عقلی، عقلایی و نقلی فهم و تحلیل متون است. این قواعد در علمی مانند منطق، اصول فقه، قواعد تفسیری و فقه‌الحديث تدوین شده یا در آنها به این قواعد اشاره شده است.

- این پژوهش بر گرایش خاص ادبی، فلسفی، عرفانی، کلامی و مانند آن مبتنی نیست؛ هرچند در تحلیل مباحث با حفظ روش اصلی بحث، از دستاوردهای علمی مانند تاریخ، علوم قرآن و حدیث، فلسفه و کلام استفاده می‌کند.

- تلاش می‌شود نظام عناصر دین با جامعیت نسبی استخراج و استنباط شود؛ به طوری که نتایج آن بتواند ضرورت‌های یادشده برای این پژوهش را برطرف کند.

۷. دورنمای طرح

با توجه به جدید بودن این شیوه از استنباط نظام معارف دین، دورنمایی از ساختار کلی نظام عناصر اصلی دین ارائه می‌شود تا خواننده محترم با اهداف و نتایج این طرح بیشتر آشنا شود.

با توجه به اینکه از طرفی محور روابط موردنظر در نظام عناصر، روابط سببی است و از طرف دیگر، خداوند و صفات او سبب خلقت و تحولات آن است، اسما و صفات خداوند نقطه شروع نظام عناصر دین است. بین خود اسما و صفات نیز نظامی برقرار است که می‌توان از آن به نظام اسما و صفات یاد کرد؛ زیرا اولاً این اسما از کمالات و حقایق خارج از ذهن حکایت می‌کنند. ثانیاً واقعیت‌های هستی - اعم از مادی و غیرمادی - به هم مرتبط و دارای نظام ارتباطی‌اند. گاهی امری علت امری دیگر است، گاهی معلول آن و گاهی هر دو در عرض هم معلول

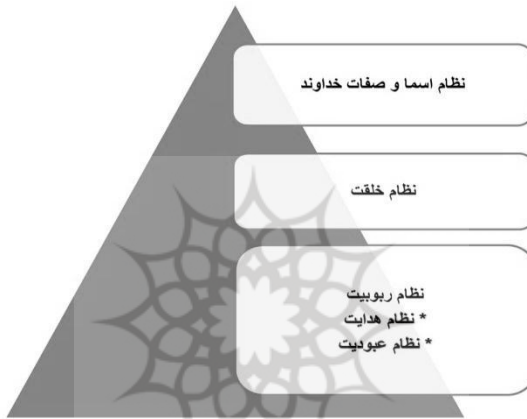
با واسطه یا بی‌واسطه علت‌سومی‌اند. نمی‌توان امور کاملاً بی‌ارتباط به‌هم را در زنجیره امور هستی یافت. بنابراین بین اسماء و صفات الهی روابطی نظام‌مند برقرار است. در مباحث تفصیلی، درباره این موضوع بیشتر سخن گفته شده است. اکنون به بیان چند مثال اکتفا می‌کنیم؛ مثلاً این جمله که «عالم بودن خداوند معلول موجود بودن اوست»، بدان معناست که تا وجود خداوند اثبات نشود، واقعاً نمی‌توان درباره علم او سخن گفت؛ زیرا علم بدون وجود معنا ندارد؛ یا این عبارت که «خالقیت خداوند سبب ربوبیت است»، بدین معناست که نوعی ترتب واقعی بین معنای خالقیت و ربوبیت وجود دارد؛ تا خالقیت نباشد، موضوع ربوبیت فراهم نمی‌شود؛ بنابراین ربوبیت خداوند نتیجه خالقیت است. این‌گونه مثال‌ها نشان می‌دهند که ما درباره نوعی رابطه واقعی سخن می‌گوییم، نه اموری صرفاً ذهنی و اعتباری. البته آشنایی این نوع رابطه واقعی از دریچه الفاظ و تحلیل معانی آنها میسر می‌شود. درک این نوع علیت نیازمند دقت زیادی است؛ زیرا نه روابط الفاظ به‌تنهایی بررسی می‌شود و نه روابط مصادیق جدای از الفاظ. این سخن از سببیت، علیت تحلیلی نامیده می‌شود.

با توجه به اینکه تمام حقایق هستی ذیل اسماء و صفات الهی تدبیر می‌شوند، نظام اسماء و صفات الهی جامع‌ترین نظام هستی است که خداوند و مخلوقاتش را معرفی و رابطه بین آنها را مشخص می‌کند. بنابراین با بررسی مجموعه اسماء و صفات خداوند و کشف روابط سببی بین آنها می‌توان نظام سببی تمام هستی را در قالب اسماء و صفات الهی مشاهده کرد. البته خرده‌نظام‌های مختلفی مثل نظام خلقت، نظام ربوبیت، نظام هدایت، نظام عبودیت و... را می‌توان در میان عناصر دین یافت که همه آنها ذیل نظام اسماء و صفات و بخشی از آن هستند. نظام اسماء و صفات برای خرده‌نظام‌های ذیل آن، حکم نظام مادر را دارد که آنها را در مرتبه بالاتر شامل می‌شود. این رابطه را می‌توان در قالب یک رابطه هرمی ترسیم کرد که نظام اسماء و صفات در رأس هرم است و همه عناصر دیگر تا جزئی‌ترین عناصر دین، ذیل همان عناصر اصلی اسماء و صفات جای می‌گیرند.

به تناسب مباحث مختلف می‌توان ده‌ها خرده‌نظام را در میان عناصر دین جست‌وجو کرد که روابط بین عناصر دین را گزارش می‌کنند؛ اما مرور آیات و روایات نشان می‌دهد که دو خرده‌نظام مهم ذیل نظام جامع اسماء و صفات قرار دارد: نظام خلقت و نظام ربوبیت. توجیه این مطلب آن است که نظام اسماء و صفات الهی از اسمای ذاتی شروع می‌شود و به اسمای فعلی، مانند «الخالق»، «المالک»، «الرب»، «الهادی» و... می‌رسد. صفت خالقیت خداوند اقتضای پدید آمدن مخلوقات را دارد. ذیل این صفت، هستی مخلوقات ظهور می‌یابد. البته خداوند متعال پس از خلقت بندگانش، با صفاتی مانند «المالک»، «الرب»، «الرازق»، «الهادی» و... به تدبیر آنان می‌پردازد. خلقت مخلوقات، نظام سببی خاصی را گزارش می‌کند که از آن به نظام خلقت (یا مخلوقات) یاد می‌کنیم. در این نظام، ترتیب و ترتب‌های سببی آفرینش مخلوقات از اولین مخلوق تا مخلوقاتی مانند عرش، کرسی، آسمان‌های هفت‌گانه، زمین، انسان و... بررسی می‌شود. تدبیر مخلوقات با اسمای «الرب، الرازق، الهادی و...» نظام ربوبیت را پدید آورده است. این نظام، ذیل نظام خالقیت و لازمه آن است. ذیل هر یک از این دو نظام، خرده‌نظام‌های متعددی را می‌توان کشف کرد که دو نظام «هدایت» و «عبودیت» از مهم‌ترین خرده‌نظام‌های ذیل نظام ربوبیت‌اند.

اینکه از خرده‌نظام‌های متعدد سخن به میان می‌آوریم، به دلیل آن است که علاوه بر نظام کلان، روابط بین عناصر فرعی نیز نظام‌مند است و نظام‌های خرد ذیل نظام کلان را تشکیل می‌دهد و این سیر تا جزئی‌ترین عناصر ادامه می‌یابد. البته شورانگیزتر آن است که هر خرده‌نظامی همان‌گونه که ذیل یک نظام کلان‌تر قرار می‌گیرد، با خرده‌نظام‌های دیگر از طریق آن نظام یا نظام‌های کلان مرتبط می‌شود؛ همانند شاخه‌های فرعی یک درخت، که از طریق شاخه‌های اصلی به هم مرتبط می‌شوند. بدین ترتیب نظام تمام تعالیم دین را می‌توان از طریق نظام روابط موضوعات آنها استنباط کرد.

مهم‌ترین خرده‌نظام‌های عناصر دین



نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی «نظام‌مندی تعالیم دین»، «امکان و جواز استنباط نظام تعالیم دین» و «غنی بودن ادبیات قرآن و روایات در بیان تعالیم دین» و از طرفی نقش شناخت نظام‌مند از تعالیم دین در فهم، عمل تبلیغ، دفاع و اقامه دین می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. توجه به نظام‌مندی تعالیم دین و شناخت نظام آن در حوزه‌های خرد و کلان از ضرورت‌های راهبردی عصر ماست. تلاش‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... بدون توجه به نظام تعالیم دین اثرگذاری موردنظر را ندارد.

۲. پیشینه تحقیقات انجام‌شده در این موضوع، هرچند قابل استفاده است؛ اما ضرورت پژوهش و ارائه طرح‌های جدید در این حوزه، همچنان مشهود است.

۳. طرح پژوهشی «نظام عناصر دین»، تلاش می‌کند با محور قرار دادن عناوین وحیانی آموزه‌های دین و کشف رابطه علی بین آنها، نظام تعالیم دین را به طور جامع، مستند و آسان‌تر کشف کند. البته این طرح به بیان روش کشف نظام جامع تعالیم دین در مقام ثبوت می‌پردازد. این مقام، پایه مباحث نظام اقامه دین می‌باشد. در نظام اقامه، افزون بر نظام عناصر باید شرایط متغیر مانند زمان، مکان، مخاطب و گوینده نیز رعایت شود.

منابع

- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- زهری، محمدین احمد، ۱۴۲۱ق، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- پورسیدآقایی، سیدمسعود، ۱۳۸۹، دین و نظام‌سازی در نگاه استاد علی صفایی حائری، قم، لیلۃ القدر.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۶، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم، صهبا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار العلم.
- سید قطب، ۱۳۴۵، آئینده در قلمرو اسلام، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، بی‌جا، بی‌نا.
- شرتونی، رشید، ۱۳۸۷، مبادی العربیة فی الصرف والنحو، چ سوم، قم، دار العلم.
- شریعتی، علی، بی‌تا، انسان‌شناسی، بی‌جا، بی‌نا.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۸ق، اقتصادنا، بیروت، دارالتعارف.
- صفایی حائری، علی، ۱۳۹۴، حرکت، قم، لیلۃ القدر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۸، رسائل توحیدی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، قم، هجرت.
- قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، چ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۸، معارف قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۸، المنطق، قم، اسماعیلیان.
- مودودی، ابوالاعلی، ۱۳۸۷ق، نظریه الاسلام السیاسیه، بیروت، دارالفکر.
- میرباقری، سیدمحمد مهدی، ۱۳۹۹، بخش پرونده‌های ویژه، مبانی تمدن نوین اسلامی و مباحث کلیات اندیشه اسلامی، در:
- mirbaqiri.ir
- نحاس، احمدین محمد، ۱۴۲۱ق، اعراب القرآن (نحاس)، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- واسطی، عبدالحمید، ۱۳۸۳، «نگرش سیستمی به دین»، کتاب نقد، ش ۳۳، ص ۱۰۵-۱۳۸.
- هادوی تهرانی، محمد مهدی، ۱۳۷۷، «اندیشه مدون اسلامی»، قیسات، ش ۷، ص ۷-۱۰۸-۹۸.